

حرکت علمی یک ضرورت مضاعف

سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع نخبگان جوان
(۱۲ شهریور ۱۳۸۶)

صدها نفر از افتخارآفرینان المپیاد‌های کشوری، دانشجویی، دانش‌آموزی و جهانی، و تیم‌های برتر آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها، برگزیدگان جشنواره‌های رازی و خوارزمی و استعدادهای برتر جوان دوشنبه پیش از دو ساعت با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در فضایی صمیمانه دیدار و گفت‌وگو کردند.

در ابتدای این دیدار ۱۰ نفر از نخبگان و چهره‌های برتر علمی جوان به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود در خصوص مسائل علمی کشور و نخبگان پرداختند.

آقایان سید امید دیانت برگزیده جشنواره جشنواره رازی و دانشجوی نمونه، احسان خلاهی دوازدهم مقام المپیاد جهانی فیزیک، علی اکبر ابو الحسنی رتبه سوم المپیاد کشوری فیزیک، سید حسام فیروزی دارنده مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی، علیرضا ایمانی رتبه اول المپیاد دانشجویی برق، احسان شعبانی دارنده مدال طلای المپیاد جهانی شیمی، محمد حسین امیری دارنده مدال قره المپیاد جهانی زیست‌شناسی، محمد شیروعلی شهوضار رتبه اول جشنواره خوارزمی، دکتر ایمان افتخاری دارنده ۳ مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی و همچنین خانم‌ها زهرا شریفی دارنده، مدال طلای المپیاد امپبی، الهه سادات نقیب دارنده، مدال طلای المپیاد جهانی نجوم و زهرا ناجیان اصل رتبه اول آزمون سراسری هنر در سال ۸۳ در این دیدار نکات و مطالبی را بیان کردند که محورهای اصلی صمیمیت‌های آنها عبارت بود از:

- توجه بیش از پیش بنیاد نخبگان برای شناسایی نیازهای نخبگان
- تشکیل کارگروه‌ها یا حضور نخبگان به منظور استفاده از دیدگاه‌های آنان
- تسهیل ارتباط نخبگان با مراکز علمی و تحقیقاتی دانشگاه‌های معتبر دنیا

- ایجاد بانک علمی نخبگان

- سرمایه‌گذاری برای تحقیق و پژوهش در رشته‌های جدید
- توجه رسانه ملی به نخبگان در کنار توجه به قهرمانان ورزشی
- لزوم حمایت از استعدادهای علمی جوان در شهرستان‌ها به ویژه مناطق دور افتاده
- تبعیض نائل نشدن در اعطای امتیازات به دارندگان مدال‌های المپیادها در رشته‌های مختلف و برگزیدگان جشنواره‌های خوارزمی و رازی
- استفاده از توانایی‌ها و دیدگاه‌های نخبگان جوان در تدوین گنگوی توسعه و نقشه جامع علمی کشور
- مشخص شدن جایگاه و نقش استعدادهای برتر جوان در حرکت علمی کشور
- تقویت مبانی فکری نخبگان جوان از طریق پاسخگویی مستدل و ایتامی به سوالات و شبهات آنان
- ایجاد زمینه‌ها و جاذبه‌های علمی به منظور جلوگیری از مهاجرت علمی برخی نخبگان جوان
- اهتمام به علوم هوا- فضا و نجوم و تهیه امکانات و ابزارهای علمی مورد نیاز این رشته‌ها
- لزوم فرهنگ سازی در خصوص اهمیت علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی
- زمینه سازی به منظور ایجاد رویکرد علمی و پژوهشی در رشته‌های هنر و پرهنر از نگاه فنی
- حمایت مادی و معنوی از مخترعان جوان و اختراعات آنان
- و استفاده جدی مراکز علمی و صنعتی از استعدادهای برتر جوان کشور و طرح‌های علمی آنان
- ذیل از سخنان رهبر معظم انقلاب آقای دکتر و اعظما، معاون علمی رئیس جمهور و رئیس بنیاد نخبگان به بیان اهداف برگزای همایش ملی نخبگان پرداخت. سپس رهبر معظم انقلاب، مطالبی را بدین شرح مطرح فرمودند:



جلی استفاده کردیم و لذت بردم. شنیدن این مطالب از دهان شما جوانان عزیز- که حقیقتاً مثل فرزندان عزیزی برای این حقیر محسوب می‌شود- واقعاً لذتبخش است. و خدا را شکر می‌کنم که می‌بینم این خود آگاهی در سطح گسترده‌ی جوانان این کشور روزه‌روز رو به رشد است. این مطالبی که شما اینجا بیان کردید، هر یک از اینها- چه در زمینه‌ی ارتباط علوم انسانی، چه در زمینه‌ی تعلیم و

تربیت اخلاقی، چه در زمینه‌ی ارتباط علم و صنعت، چه در زمینه‌ی امکان دادن به استعدادهای و نخبه‌ها - جزو آرزوهای دیرین این بنده بوده که در طول سالهای متوالی اینها را گفته‌ایم و خواستایم و امروز من می‌بینم اینها تبدیل شده به یک خواست عمومی.

از شماها تشکر می‌کنم؛ از برگزارکنندگان این همایش ملی تشکر میکنم و اغلب این مطالبی را که بیان کردید، قبول دارم؛ به آنها معتمد و همانطور که آقای دکتر واعظ زاده بیان کردند، اینها و بقیه‌ی مطالبی که در خود همایش بیان شده ثبت شده، و یکی یکی باید مورد توجه قرار بگیرد و اجرایی بشود؛ و خواهد شد.

● نهضت علمی جدی است

ممکن است عوامل گوناگونی ما را در رسیدن به این آرزوها، اندکی به تأخیر بیندازد؛ لکن بدانید این حرکت علمی، این جوشش و شکوفایی، بالندگی و باروری، قابل توقف نیست و پیش خواهد رفت به توفیق الهی، قائم به شخص هم نیست. این حرکت در کشور آغاز شده؛ این خودآگاهی به وجود آمده و انشالله به سرمنزل خود هم خواهد رسید.

جلسه‌ی امروز ما از نظر من دو هدف را دنبال میکند: یکی، هدف نمادین در سطح ملی و عمومی، که ما می‌خواهیم در کشور ما - در سطح افکار عمومی کشور - این باور به وجود بیاید که «نهضت علمی» در کشور جدی است. و مسئولان کشور این را میخواهند و به طور جدی به دنبال آن هستند و برای علم و جوینده‌ی علم و نخبه‌ی علمی، ارزش قائلند؛ این، معنای این حرکت نمادین و این اجتماع نمادین ما، امروز در اینجا است. و هدف دوم، تذکر مجدد به مسئولان کشور - مسئولان دولتی، مسئولان بخشهای گوناگون - هست که بدانند این خواست را باید دنبال کنند. در سیاستهای کلان و سیاستهای اجرایی باید پیشرفت و رشد علم کشور، برنامه‌ی قطعی و حتمی به حساب بیاید و ملاحظه شود. این دو هدف انشالله حاصل شده است.

● ضرورت حرکت علمی

من فقط چند نکته را بیان می‌کنم؛ خیلی از حرفهای خوب را شما خودتان گفتید. یک نکته که تازه هم نیست، این است که: حرکت علمی برای کشور ما یک «ضرورت مضاعف» است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزت و قدرت و امنیت یک ملت است - که مختصراً توضیح خواهم داد - مضاعف و مؤکد است؛ چرا؟ چون به این وظیفه، در طول صد سال از بهترین زمانها عمل نشده از اواسط دوران قاجار که نهضت علمی و نهضت صنعتی دنیا اوج گرفته و شکوفا شده

بود- از اواسط نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم- و علم در شکل استعمار خودش را نشان داده بود؛ غرب با دستیابی به ابزار علم، مشغول استعمار دنیا شده بود. از آن روز- تقریباً صد سال یا بیشتر- که وقت بیداری و هوشیاری ما بود، این وظیفه‌ی بزرگ، وظیفه‌ی رشد دادن علمی کشور، به دلال گل‌ناگون تعطیل و متوقف شد. عمده دلیل هم عبارت بود از: حاکمیت استبداد، حاکمیت طاغوتها، حاکمیت سلاطین دست‌نشانده، ضعیف و زبون. ما وارث این عقب‌ماندگی هستیم. لذا تلاش ما باید مضاعف باشد. پس یک نیاز است و این نیاز مؤکد و مضاعف است.

در این زمینه که علم نیاز است، شماها می‌دانید، اما خوب است مجدداً من این را بگویم که حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد.

● علم اقتدار است

جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ علم اقتدار است «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ ضَالًّا، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَبِيلًا»؛ علم اقتدار است. هرکس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند، می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیآورد، «اصیل غلبه» بر او غلبه پیدا خواهد شد دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند.

این واقعیت را ملت ایران در یک دوره‌ی طولانی، با پوست و گوشت و استخوان خودش لمس کرد. به ما تحکم کردند؛ به ما زور گفتند؛ منابع ما را در مشت گرفتند؛ ملت ما را از رفاه محروم کردند. تاریخچه‌ی تلخ و محنت‌باری این دوره‌ی صد ساله‌ی کشور ما دارد، که ما نتایجش را الان داریم می‌چشیم؛ با اینکه ما حرکت را شروع کردیم؛ انقلاب اوضاع را دگرگون کرد؛ ورق را برگرداند. امروز کشور ما یک کشوری است که از لحاظ عزت سیاسی و بین‌المللی، در دنیا کم‌نظیر است؛ این را دشمنان ما هم قبول دارند. ملت بیدار شده است. شجاع است. کشور دارای هویت و شخصیت است؛ اما در عین حال نتایجش را داریم می‌بینیم. یعنی آن کسانی که علم را صد سال، دوست سال پیش از ما به دست آوردند و چند میدان از ما جلوتر حرکت کردند و پیش رفتند و به برکات علم دست پیدا کردند، هنوز هم دارند زور مگویند. همین مسئله انرژی هسته‌ای و توانایی علم و فناوری هسته‌ای یک نمونه‌اش است. «نداشته باشید ما به شما اطمینان نداریم»؛ حرف زور. کی ما به ما می‌گویند: اطمینان به شما نداریم؟! آن کسانی که خودشان در ظرف بیست سال، دو جنگ جهانی درست کردند و همه‌ی دنیا را در آتش جنگ مشعل کردند؛ اروپا، آن کسانی که ما می‌گویند به شما اطمینان نداریم، که هر جا

دستشان رسید، نیروی نظامی خودشان را وارد کردند. نمونه‌ی زنده‌ی موجودش، عراق است که دارید می‌بینید؛ نمونه‌ی قدیمی‌تر و دردناک‌ترش فلسطین است؛ نمونه‌ی دیگرش افغانستان است؛ نمونه‌ی دیگرش کوزوو است؛ نمونه‌ی دیگرش مناطق گوناگون دنیاست؛ یک نمونه‌اش هیوشیماست. اینهایی که شرارت‌های عمده‌ی دنیا در دوران صنعتی، مال آنها و از ناحیه‌ی آنهاست، به ملت ایران که تاکنون یک بار در این سالهای متمادی - از جمله در دوران بعد از انقلاب - تعرض از این کشور به یک همسایه و غیر همسایه دیده نشده - ما از دولت جمهوری اسلامی بحث می‌کنیم؛ قبلی‌ها را کار نداریم. در دوران جمهوری اسلامی یک گلوله به طور ابتدائی از سوی کشور ما به یک همسایه شلیک نشده. این را همه قبول دارند - می‌گویند: به شما اطمینان نداریم! این، یعنی زورگویی. حالا کشوری مثل فلان کشور شمال آفریقا، تا یک چنین احمی به او می‌کنند، دستپاچه می‌شود، تمام وسائش را جمع می‌کند سوار کشتی می‌کند و می‌گوید بربد!

● انقلاب از اول در مقابل زورگویی‌ها ایستاده است

ملت ایران ایستاده و خواهد ایستاد؛ نه فقط در این قضیه، ما در دهها قضیه همینجور ایستاده‌ایم؛ حالا این قضیه در سطح عموم کشانده شده. در دهها قضیه از اول انقلاب تا امروز، ما در مقابل زورگوییها، قلدریها، گردن کلفت‌ها، صدا کلفت کردن، اخم نشان دادن، بین‌المللی، ایستاده‌ایم؛ فهمیده‌اند که ما زیر بار نمی‌رویم. ولی این زورگوییها هست. این زورگوییها به خاطر چیست؟ به خاطر اینکه آن طرف مقابل، مسلح به علم است. ببینید این برای شما جوانها خیلی عبرت‌انگیز است. یک دولت بیگانه‌ی از اخلاق، بیگانه‌ی از معنویت، بی‌اعتنای به حقوق بین‌المللی مثل دولت امریکا، چون دارای علم هست و توانسته این علم را به فناوری تبدیل کند و در زندگی‌اش به کار بگیرد، به خودش حق می‌دهد که در سطح بین‌المللی این جور زورگویی کند. «مَنْ وَجَدَهُ مُسَالًّا؛ هر کس علم را داشت، می‌تواند به دیگران تحکم کند - «وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَبِيلَ عِلْمِهِ» - ندانسته باشید، به شما تحکم می‌کنند. ببینید، ضرورت اینجاست.

● توجه به نهضت علمی

وجدان هر انسان، انسانی که به شخص خود، هویت خود، به خانواده‌ی خود، به فرزندان خود، به آینده و نسل خود و به ملیت و کشور و هویت ملی و دین خود علاقه‌مند است، نمی‌تواند نسبت به این قضیه بی‌اعتنا بماند. این که من سالهاست روی مسئله‌ی «نهضت علمی» اصرار می‌کنم، پافشاری می‌کنم و دنبالگیری می‌کنم، برای این است.

علم، پیشرفت علمی و فراگیری، نیاز اول کشور ماست؛ البته همه‌ی علوم - حالاً عرض خواهم کرد - و فقط هم علوم تجربی نیست. همه‌ی علوم باید در جای خود پیگیری شود و کشور ما می‌تواند. بنابراین، نتیجه‌نکته‌ی اول این است که شما که مشتاق از خرمن عظیم نخبگان کشور هستید، می‌توانید در ایجاد قدرت ملی و در سازندگی و آینده‌ی کشور مؤثر باشید.

● سطح بالای استعداد و منابع

نکته‌ی دوم این است که کشور ما از لحاظ «استعداد نخبه‌پروری» و دارا بودن نخبه‌ها، یک سطح بالاتر از متوسط را دارد. این در محاسبات باید بیاید. من یک وقتی در جمع مسئولان کشور در همین حسینه - چند سال پیش از این - گفتم سطح جغرافیایی کشور ما تقریباً یک صدم سطح آباد جغرافیایی دنیاست، جمعیت کشور ما هم هفتاد میلیون است که تقریباً یک صدم جمعیت بشر است. بنابراین، حق ما به طور متوسط از منابع زیرزمینی دنیا، می‌شود یک صدم؛ اما ما مهم‌ترین منابع زیرزمینی را بیش از یک صدم داریم: فلزات اصلی، فولاد، مس، سرب و بسیاری از کانه‌های دیگر؛ همه‌سه درصده، دو درصد، چهار درصد ذخائر دنیا در کشور ماست. نفت، که وضعیت معلوم است و ما دومین دارنده‌ی نفت در سطح منطقه‌ی نفت خیز خلیج فارس و خاورمیانه هستیم. گاز، ما دومین دارنده‌ی گاز در سطح دنیا هستیم. ببینید چند برابر میانگین سرانه‌ی افراد بشر، ملت ما و کشور ما دارای منابع طبیعی است. من حالا میخواهم بگویم همین افزایش نسبت در مورد نیروی انسانی هم هست. یعنی کشور ما یک صدم نیروهای انسانی نخبه‌ی دنیا را ندارد، بیشتر از یکصدم دارد. نمی‌توانم آمار بدهم؛ چون محاسبه نشده است. آن درصدهائی که در مورد منابع طبیعی گفتم، محاسبه شده است. این را محاسبه نکرده‌ایم؛ انشالله امیدواریم در آینده به این چیزها هم برسیم. اما قرائن این را نشان می‌دهد. چیزهایی که از افراد دنیا دیده‌ی بررسی کرده‌ی دانشگاه‌های دنیا ما شنیده‌ایم، همه همین را تأیید می‌کند. من از افراد متعدد شنیده‌ام که در بهترین دانشگاه‌های دنیا، تعداد نخبگان ایرانی - وقتی ایرانها آنجا هستند - به نسبت، دوبرابر، سه برابر کشورهای دیگر است. مرحوم دکتر چمران حقاً و انصافاً خودش یک نخبه علمی بود - حالا جنبه‌ی علمی او تحت الشعاع جنبه‌ی نظامی و مجاهدت و فداکاری و شهادت او قرار گرفته - و در بالاترین و پیشرفته‌ترین دانشگاه‌های آمریکا درس خوانده بود. او به من می‌گفت در آن مرکز، نخبه‌هایی از کشورهای دیگر بودند؛ اما ایرانها در اغلب بخشهای دانشگاه و دانشگاه‌های دیگر، تعدادشان بیشتر بود و برجستگی و نمود بیشتری داشتند. البته ایشان یک ناقل بوده ولی من از افراد متعدد این را شنیده‌ام و گزارش‌های فراوان و متعدد و غیر واحدی در این زمینه دارم. خوب پس ما در آینده از لحاظ نیرو انسان دچار کمبود نخواهیم بود.

گذشته‌ی ما هم همین را نشان می‌دهد. ما متأسفانه از گذشته هم منقطعیم. جوانهای ما تاریخ علمی ما را نمی‌شناسند. این یکی از ضعفهای ماست که البته سفارش شده، گفته شده که در این زمینه - در زمینه‌ی تاریخ علم در ایران- کار شود؛ و دارندکار می‌کنند و کارهای خوبی هم انجام گرفته، که انشاءالله بعد از این بیشتر هم خواهد شد.

در همه‌ی این قرن‌ها ما برجستگان علمی در کشورمان داشته‌ایم که البته به این قرون آخر که رسیده، ضعیف شده، پادشاهان نالایق، جنگهای داخلی گوناگون نگذاشته؛ والا در دوره‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگون علوم روز دنیا ما نخبه پرور بوده‌ایم.

در قرنهای چهارم و پنجم هجری- یعنی قرنهای دهم و یازدهم میلادی که دوران قرون وسطای اروپاست؛ یعنی دوران جهالت محض- ما این سینا را داشتیم محمدبن زکریای رازی را داشتیم. اروپائیا وقتی به گذشته نگاه می‌کنند، خیال می‌کنند همه‌ی دنیا در قرون وسطی بوده! تاریخ را هم آنها نوشته‌اند! متأسفانه تاریخهای آنها هم در کشور ما ترجمه و ترویج شده. دوران قرون وسطای اروپا، یعنی دوران نهایت ظلمت و تاریکی و بی‌خبری؛ دورانی است که ما فارابی را داشتیم، ابن سینا را داشتیم، خوارزمی را داشتیم. ببینید فاصله چقدر است!

من یک وقتی در جمع جوانها از «تاریخ علم جرج سارتن» یا تاریخ علوم دیگر- الان اسم مؤلفش یاد نمی‌آید. همه‌ی آنها فرنگی هستند؛ نمیخواهم دیگر نام آنها را تکرار کنم- مطالبی درباره‌ی وضع پیشرفت مسلمانها در آن دوره گفته‌ام.

بنابراین، ما از لحاظ نیروی انسانی نخبه دچار مشکل و ضعف نیستیم؛ نه امروز، نه انشاءالله در آینده. روزه به روزه ما باید بیشتر بشود نخبه‌ها شناسایی بشوند.

● ما می‌خواهیم عالم بشویم همراه با معنویت

نکته‌ی سوم این است که: ببینید عزیزان من! ما می‌خواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربیها علم را دارند، اما در کنار علم و آمیخته‌ی با این علم چیزهایی را هم دارند که از آنها می‌گیریم. ما نمی‌خواهیم غربی بشویم؛ «ما می‌خواهیم عالم بشویم». علم امروز دنیایی که عالم محسوب می‌شود، علم خطرناکی برای بشر است. علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملتهای، در خدمت استعمار، در خدمت خونریزی و جنگ قرار داده‌اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم؛ ما اینچور عالم شدن را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد، در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما اینچور علمی می‌خواهیم. اسلام به ما این علم را

توصیه می‌کند.

آن روزی که کشورهای اسلامی و به خصوص کشور ایران اسلامی ما از لحاظ علمی سرآمد بود، آن روز ما هیچ کشوری را استعمار نکردیم، تو سر هیچ ملت نزدیم، به هیچ ملت زور نگذشتیم. اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد. چقدر من از این جمله‌ی مناجات شریف شعبانیه که این دختر خانم در سخنرانی‌شان خواندند لذت بردم «اللّٰهٰی هَبْ لِي قَلْبًا يَدْرِيهِ مِثْلَكَ شَوْهًا وَلِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ ذِكْرَهُ» (یا صیّدُ) «و نظر بگیر به مِثْلَكَ حَقَّهُ» «خدا یا دلی به من بده که شوق و عشق، آن را به تو نزدیک کند. عالم مسلمان این را می‌خواهد؛ نزدیک‌ی به خدا، معنویت، اخلاص، صفا. و این است که آن وقت این علم، این ذخیره‌ی عظیم، این حره‌ی بزرگ در خدمت دفاع از انسانیت به کار می‌افتد؛ در خدمت امنیت انسانها، عدالت بین انسانها، صلح و صفای انسانها و جوامع بشری به کار می‌افتد. ما این را می‌خواهیم. این را برای خودتان هدف قرار بدهید.

شما امروز لحن کسانی را که بر کرسیهای سیاسی‌ای سوارند که پایه‌های آن بر روی سرمایه و علم منحرف - سرمایه‌داری - قرار گرفته، ببینید. دولتهای غربی الان اینجوری‌اند. حالا در قله‌ی قدرتهای غربی، امریکاست. کرسی قدرت پایه‌هایش بر روکازتها و تراستهای سرمایه داران قرار دارد و ابزارش علم است. از سلاح به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند؛ از جاسوسی و دزدی اطلاعات به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند؛ از زد و بند در جاهای مختلف دنیا به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند. ببینید سران اینجور کشورها که اینجور علم منحرف دارند، لحنشان چیست؟ شنیدید این سخنرانی چند روز قبل رئیس‌جمهور امریکا را که چقدر نفرت انگیز، چقدر خشونت طلبانه و متکبرانانه بود. همین غرور و تکبر روز به روز هم دارد اینها را در گرداب فرو می‌برد. امروز شما این را بدانید - من حالا دارم به شما می‌گویم. شما آن روز را خواهید دید؛ آنروز ماها نینسیم، اما شما جوانها آن روز را خواهید دید - که این تمدن بناشده‌ی بر این پایه غلط، در گرداب دارد فرو میرود؛ دارد لحظه به لحظه در باتلاق پائین تر می‌رود و سقوط خواهد کرد بدون شک. همین غرور، همین تکبر ابلهانه و احمقانه هم یکی از عوامل همان سقوطی است که انتظار اینها را می‌کشد. اینها سقوط می‌کنند. یک هارت و هورنی امروز می‌کنند؛ اما در سراسیمه دارند حرکت می‌کنند، خودشان هم منتفت نیستند؛ البته هوشیارهاشان چرا. هوشمندانشان سالهاست فریاد می‌کنند، هشدار می‌دهند، زنگ خطر! منتها کیست که بشنود؛ نمسند.

سنگران! سگر هوئ: سگر مذامه

لثا یقین قی به سگران

دو «مستی» در اینهاست؛ «مستی هو ایرستی»، مستی قدرت. آدمی که بیک مستی داشته باشد، نمی‌شود چیزی در مغزش فرو کرده و قوی دو مستی به سراغ کسی بیاید، که او بیلاست! هم از آن

زهرماریها بخورد مثلاً، هم قرص اکتساز؛ اینها هر دو را خورده‌اند! حالا شمشیر علم هم دست اینهاست. بایستی با شیوهی هنرمندانه و با مانور خردمندانه، اینها را گرداند و به زمین زد، و انشاءالله به زمین می‌زنیشان.

توجه داشته باشید که ما دنبال این علم نیستیم. ما دنبال علمی هستیم که ما را به «محتویت»، به «انسایت»، به «خدا»، به بهشت نزدیک کند. و شما جوانها دلها تان با ک است. من این حرفها را دارم می‌زنم، اما آن دلی که بیشتر آمادهی شکل گرفتن از این حرفهاست، دل شماست. شما هستید که با دلهای جوان خودتان و با روحیه‌های شاداب و باطراوت خودتان، می‌توانید این مسیر را طی کنید.

● نقش تاریخی و ملی نخبگان

نکته‌ی چهارم این است: در زمینه‌ی نخبه‌ها، یک وظیفه متوجه دولت است، یک وظیفه متوجه نخبه‌هاست. وظیفه‌ی دولت همین چیزهایی است که آقای دکتر واعظزاده - معاون محترم رئیس جمهور عزیزمان - گفتند. اینها وظایف دولت است، باید هم انجام بگیرد، من هم تأکید می‌کنم و دنبالگیری خواهم کرد انشاءالله. خوشبختانه، جهت‌گیری دولت هم همین هست که اینها به نتیجه برسد. اینی که شماها گفتید که نخبه‌ها در «بنیاد نخبگان»، مراکز گوناگون باشند، این حتماً باید تحقق پیدا کند. الان هم می‌خواهم بگویم همینچنین است. همین آقایانی که امروز بنیاد نخبگان و این معاونت علمی را می‌چرخانند، از جوانهای نخبه مایند. اینها با شماها از لحاظ سنی خیلی فاصله ندارند و جزو همین نخبه‌ها هستند که الحمدلله حالا آمده‌اند روی کار و توانسته‌اند تا معاونت رئیس جمهور و تشکیل معاونت علمی و بنیاد نخبگان بالا بیایند و این کارهای عظیم را همین شما جوانهای نخبه هستید که در واقع دارید انجام می‌دهید. بعد از این هم همینچنین پیش برود.

و اما خود نخبگان. این را به شما که اینجا هستید، دارم عرض می‌کنم؛ اما خطاب به همه‌ی نخبگان کشور است. نخبگان ما فقط شما نیستید. هزاران، صدها هزار، شاید هزارها هزار نخبه و استعداد در این کشور وجود دارد که البته بایستی اینها شناسایی شوند.

اولین حرف این است که مواظب باشید «غرور» شما را نگیرد. در حرفهای این جوانهای عزیزی که اینجا صحبت کردند هم اتفاقاً همین بود. غرور، خودبیش‌بینی، طلبکاری؛ اینها درست نیست؛ این برایتان ضرر دارد. شما فرزندان این خانه هستید؛ فرزندان این آب و خاک هستید. پدران و مادران شما در این کشور کسانی هستند که جوانی‌شان را صرف کردند برای این که این بنا را درست کنند تا شما در این بنا بتوانید راحت زندگی کنید. آنها حق دارند. مواظب باشید به پیشکسوتها تحکم نشود، اهانت نشود، بی‌اعتنائی نشود. از کشور و از ملت طلبکاری نشود. البته گفتیم که وظایف دولت و وظایف کسانی

که توانایی در بخشهای غیر دولتی دارند، معلوم است؛ وظیفه‌ی آنها مشخص است؛ اما شما هم از این طرف به این نکته توجه کنید.

نصیحت دوم من به شما عزیزان: شما برای خودتان یک نقش تاریخی و «ملی» تعریف کنید، نه یک نقش شخصی. وقتی انسان نقش شخصی برای خودش تعریف می‌کند - یک آدم بااستعداد - هدف او این می‌شود که به ثروت برسد، به شهرت برسد، همه او را بشناسند، همه او را احترام کنند؛ این می‌شود هدف. به این چیزها هم که رسید، دیگر کاری ندارد، انگیزه‌های برایش باقی نمی‌ماند؛ اما انسان وقتی برای خودش یک نقش ملی، یک نقش تاریخی تعریف کرد، وضع فرق می‌کند. شما باید آینده و تاریخ کشور را در نظر بگیرید و ببینید این ملت به کجا باید برسد و شما امروز در کجای این چرخ و این ریل عظیم قرار دارید. امروز شما چه نقشی را باید ایفا کنید تا آن روز، این ملت بتواند در آنجا باشد. چنین نقشی برای خودتان تعریف و ترسیم کنید؛ هدف را بالا بگیرید.

نصیحت سوم هم اینکه، همتان را بلند بگیرید. من چندبار تا حالا در جمع جوانها و نخبه‌ها این را گفته‌ام. همت نباید این باشد که ما فلان فناوری را که دیگران ساخته‌اند و ما همیشه از آنها می‌خریدیم و وارد می‌کردیم حالا فرض کنید می‌توانیم خودمان اینجا بسازیم. اینکه چیزی نیست. البته چیزی هست، کم اهمیت نیست؛ اما آن چیزی نیست که ما دنبالش هستیم. شما هدف را این قرار بدهید که ملت و کشور شما در یک دوره‌ای، بتواند مرجع علمی و فناوری در همه‌ی دنیا باشد. یک وقتی من در جمع جوانهای نخبه‌گفتم: شما کاری کنید که در یک دوره‌ای - حالا این دوره ممکن است پنجاه سال دیگر یا چهل سال دیگر باشد - هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد «زبان فارسی» را که شما اثرتان را به زبان فارسی نوشته‌اید، یاد بگیرد؛ همچنانی که امروز شما برای دستیابی به فلان علم، مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا بتوانید کتاب مرجع را پیدا کنید و بخوانید. شما کاری کنید که در آینده، کشور شما یک چنین وضعی پیدا کند؛ و می‌توانید. یک روز اینطور بوده است؛ کتابهای دانشمندان ایرانی را به زبانهای خودشان ترجمه می‌کردند، یا آن زبان را فرا می‌گرفتند برای اینکه بتوانند بفهمند. این هم بد نیست شما بدانید که کتاب «قانون» ابن سینا که در پزشکی است، همین ده پانزده سال پیش - زمان ریاست جمهوری من - به فارسی ترجمه شد؛ بنده دنبال کردم؛ افرادی را مأمور کردم بعد هم شنیدم یک مترجم خوش قلم بسیار خوش ذوق کرد، این را به فارسی ترجمه کرده که امروز ترجمه‌ی فارسی‌اش هست. تا آن وقت قانون به زبان عربی نوشته شده بود - ابن سینا کتاب را به زبان عربی نوشته است - و به فارسی ترجمه نشده بود؛ در حالیکه چند سال قبل به زبان فرانسه ترجمه شده؛ یعنی آنها که این کتاب را لازم داشتند، برده بودند و ترجمه کرده بودند. ببینید، مرجعیت علمی این است؛ مجبورند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند. هدفان را این قرار بدهید.

همتان را این قرار بدهید. همتان را پیشرفت در زمینه دانش و شکستن مرزهای علم قرار بدهید، که البته در این زمینه من مطالب دیگری هم دارم که وقت تمام شده و ناچارم آخرین نکته را بگویم.

● ضرورت تنظیم نقشه جامع علمی کشور

ما باید نقشه جامع علمی کشور را تنظیم کنیم. این را من سال گذشته هم به این مجموعه علمی گفتم، الان هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد این کار می‌شود، اما باید این کار با جدیت هر چه بیشتر بشود. ما باید بدانیم نقشه جامع علمی کشور چیست. کدام علم، به چه اندازه، در کجای این نقشه جا دارد. اینچنین نباشد که مثل یک ورزشکاری که فقط روی بازو کار می‌کند و بازوهایش می‌شود اینقدر، در حالیکه پا و سینه و شانه‌اش مثل یک آدم لاغر است، باشی! این، فایده‌ای ندارد. یک ورزشکار فقط کار سینه بکند، بقیه اندامهای او هیچ قدرتی نداشته باشد، فایده‌ای ندارد. باید متناسب باشد. بعضی از این جوانان عزیز راجع به علوم انسانی گفتند. ما در بخشی از رشته‌های علوم انسانی، قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم. خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد به حساب می‌آیند. چرا اینها را دنبال نکنیم؟ در رشته‌های گوناگون علوم انسانی؛ ادبیات، فلسفه، تاریخ، هنر، ما خیلی سابقه داریم. بعضی از علوم انسانی دیگر هم هست که اگرچه از غرب آمده، اما اگر درست دقت کنیم خمیرمایه‌ی آن که عبارت از عقلانیت و تجربه‌گرایی است، از تفکر و روح ایرانی - اسلامی است. اروپای خرافاتی نمی‌توانست زیست‌شناسی و اقتصاد و مدیریت و روانشناسی و جامعه‌شناسی را به این شکل تنظیم کند. این سوغات تفکر علمی‌گرایی و تجربه‌گرایی شرق و عمدتاً ایران اسلامی بود که رفت در آنجا و به این تحول منتهی شد. به هر حال در این چیزهایی که عقب هستیم، باید خودمان را جلو ببریم و خودمان ابداع کنیم؛ ترجمه نکنیم. ترجمه‌گرایی زیانهای بسیار بزرگی برای ما دارد.

بنابراین، نقشه جامع علمی، چیزی لازمی است. جایگاه علوم گوناگون، هر کدام؛ مقدار دانشجو، نوع دانشجو، جنس دانشجویان، دختر، پسر - مناطق گوناگون؛ اینها باید روشن بشود؛ ما بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. این کارها البته شروع شده، لکن باید جدیت بکنید دنبال بشود.

مسئله‌ی کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات - که اتفاقاً بعضی از جوانها گفتند - جزو چیزهایی است که من رویش تکیه دارم. ما ممکن است یک تحقیقاتی بکنیم، در یک پروژه تبلیغاتی به جاهای خوبی هم محقق ما برسد؛ اما این در وضع کشور، در جهت رشد و توسعه‌ی کشور نقشی نداشته باشد؛ یعنی نتواند به ثروت ملی تبدیل شود. ما باید علم‌مان را بتوانیم به ثروت ملی تبدیل کنیم. این تلاش لازم دارد. برنامه‌ریزی لازم دارد. آن وقت یک نکته‌ای در کنار این هست - که باز در همان نقشه‌ی جامع علمی قرار می‌گیرد - که ما باید زنجیره‌ی علم و فناوری را تکمیل کنیم، که گاهی یک جاهایی از این

زنجیره قطع شده است، تا یک خط تولید واقعی درست بشود و علم بتواند از همه‌ی جهات به اهداف خودش برسد.

و خیرمایه‌ی همه این چیزها، «شوق» شما و «اهمیت» شما و «علاقه» شما و تلاش دست‌اندرکاران است که امیدواریم خداوند کمک کند. انشالله این تلاش را بکنید و «می‌بینیم بحمدالله راه هم افتاده؛ این جریان علمی راه افتاده و انشالله به نتایج خواهد رسید.

من خیلی از دیدار امروز خوشبینم و امیدوارم که انشالله این دیدار کمک کند به رسیدن به اهداف عالی‌ای که کشور و ملت ما دارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته